

سه رویکرد انسان عصری به دین

محمد مرادی^۱

چکیده

مراد از انسان معاصر، انسانی است که در هر دوره‌ای با متن مقدس مواجه بوده است و در نسبت با آن، رویکردی مثبت یا منفی را اتخاذ کرده است. مراد از تفسیر متن مقدس، هرگونه تلاشی است که برای فهم متن صورت می‌گیرد که خود شامل دو بخش تفسیر و تأویل است.

در حوزه دین، سه رویکرد کلی وجود دارد:

۱. رسالت متون مقدس، در انداختن طرح تمدن و فرهنگ است. متن مقدس، پاسخ همه نیازهای بشر را در درون خود دارد. آموزه‌های متن مقدس باید جایگزین همه منابع دیگری شود که برخاسته از عقل بشری است؛

۲. این دسته معتقدند که خداوند برای بشر، دو منبع عقل و وحی قرار داده است. برای فهم مراد خداوند، این دو منبع باید در کنار هم باشند. در این رویکرد، جایگاه عقل، صرفاً تفسیر متن نیست؛ بلکه در زمانی که به حکم عقل در یابد که آموزه‌ای خلاف حکم عقل و حس است، متن را به گونه‌ای به تأویل می‌برد که با کلیت آموزه‌های دین سازگار باشد و با عقلانیت بشر نیز سازگار باشد؛

۳. رویکرد سوم در میان عالمان، بسیار مهجور است و کمتر به آن توجه شده است. این رویکرد معتقد است که ما دو حوزه دیانت و عقلانیت داریم. حوزه دیانت، مربوط به اموری است که در دین، دستورالعمل خاص آن وضع شده است و گزاره‌های مربوط به آن در متن دین آمده است.

حوزه عقلانیت، مربوط به اموری است که درباره آن، در دین گزاره خاصی نیامده است و به عبارتی، جزء منطقه الفراغ و حوزه مباحات دین است. حال در برخی امور، این دو آموزه با هم هم‌پوشانی دارند و در برخی مسائل، با هم تباین دارند و به هم ربطی ندارند و ممکن است با یکدیگر تعارض داشته باشند. در این مرحله، سؤال اصلی مطرح می‌شود که چگونه می‌توان این تعارض را حل کرد. در این رویکرد سوم، ضرورتی وجود ندارد که خود را به زحمت بیان‌دازیم تا همه نیازهای بشر را از دین استخراج کنیم و اگر نتوانیم استخراج کنیم، قائل به نقص در دین باشیم.

حوزه دین، محدوده خاصی دارد و ضرورتی وجود ندارد که محدوده آن به همه عرصه‌های بشری تسری داده شود. تمدن‌ساختن، محصول عقلانیت است.

واژگان کلیدی: زبان‌شناختی، تأویل، تفسیر، تمدن، فلسفه دین.

^۱ عضو هیئت علمی دانشگاه قرآن و حدیث.